

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۰

هزار و سیصد و هشتاد و پنج - نیمسال دوم

مقالات

- عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از ارجاع تا تحریم
- جنایت ژنوسید در پرتو رویه قضائی محاکم کیفری بین‌المللی
- وقف سهام شرکتهای: امکان حقوقی و ضرورت اجتماعی
- آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر
- قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران
- صلاحیتها و مجازاتها در دادگاه عالی کیفری عراق: از تأسیس دادگاه تا اعدام صدام
- موضوع ویژه: حقوق مالیاتی در ایران و کشورهای دیگر
- مالیات بر ارزش افزوده و عدالت مالیاتی
- پیشگیری از مالیات مضاعف در حقوق مالیاتی ایران
- آئین دادرسی مالیاتی در ایران
- مقررات مالیاتی در معاهده منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن
- مبارزه کیفری با تقلب مالیاتی در حقوق فرانسه

نقد و معرفی

- رأی دیوانعالی کشور در مورد درخواست طلاق زوجه به علت ازدواج مجدد شوهر
- قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت در خصوص سی و سه روز جنگ حزب‌الله و اسرائیل





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44346.html

قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران با تکیه بر مصوبه سال ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام

دکتر منصور رحمدل*

چکیده: قاچاق در کلیه اشکال آن، اعم از کالا، ارز، مواد مخدر، اشیاء عتیقه و انسان، بیشتر جنبه اقتصادی دارد و باید آن را یک پدیده و موضوع اقتصادی تلقی کرد. وجه این تلقی آن است که قاچاق به منظور کسب سود و درآمد صورت می‌گیرد. این موضوع اقتصادی دارای ابعاد و آثار مختلفی می‌باشد که برای نمونه می‌توان به آثار اجتماعی و حقوقی اشاره کرد. از جمله آثار اجتماعی آن که بیشتر رنگ و بوی اقتصادی هم دارد می‌توان به بیکاری افراد در جامعه اشاره کرد. و در این مقاله ابعاد حقوقی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: قاچاق، کالا و ارز، گمرک، تعزیرات حکومتی، دادگاه انقلاب اسلامی، حق‌الکشف، واردات و صادرات.

مقدمه

تقریباً تمامی کشورها مقرراتی را برای کنترل واردات و صادرات وضع می‌کنند. هدف از این کنترلها در درجه اول، اخذ عوائد دولت و در درجه دوم حمایت از تولیدات داخلی و حقوق مصرف‌کننده است. بخصوص در مورد کالاهایی که به کشور وارد می‌شوند حمایت از تولیدات داخلی و حقوق مصرف‌کننده را باید وجه غالب مداخله دولت تلقی کرد.

ممکن است در نگاه اول، قاچاق به عنوان زمینه‌ای برای اشتغال به کار برخی افراد

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

درگیر در کار قاچاق تلقی شود ولی نباید تصور کرد که قاچاق ایجاد اشتغال می‌کند و از نظر اقتصادی برای جامعه مقرون به صرفه است، بلکه از این جهت که اقتصاد ملی را به تحلیل برده^۱ و زمینه شکوفایی اقتصاد زیرزمینی را فراهم می‌کند باعث تقلب در کسب از جهت عدم امکان کنترل روی کالای قاچاق^۲ و توزیع اجناس تقلبی^۳ در بازار^۴، افزایش بیکاری، کاهش تولید ملی و در نهایت به از بین رفتن آن منجر می‌شود. به عبارت دیگر، قاچاق نه تنها ممکن است از بیکاری ناشی شود، خود می‌تواند منشأ بیکاری نیز باشد.

دقیقاً به همین اعتبار است که حقوق و بخصوص حقوق کیفری برای مهار این پدیده اقتصادی نابهنجار مداخله می‌کند. چون یکی از کارکردهای حقوق و بخصوص حقوق کیفری به نظم در آوردن پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی و کنترل آنهایی است که به نظم عمومی لطمه وارد می‌کنند. پدیده قاچاق نیز از جمله این پدیده‌هاست که به نظم اقتصادی به عنوان یکی از اجزاء نظم عمومی لطمه وارد می‌کند و مداخله حقوق کیفری را ایجاب می‌کند.

نظام حقوقی ایران نیز همانند سایر نظامهای حقوقی در مقابل پدیده قاچاق کالا واکنش نشان داده و مقرراتی را برای مبارزه با آن وضع کرده است که بررسی این مقررات از بُعد حقوقی موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. در این مقاله سعی بر آن است که مقررات مزبور از بعد انتقادی مورد بررسی قرار گیرند و ایرادات بیان و پیشنهادهای لازم ارائه شود. برای این منظور مباحث این مقاله را به دو قسمت ایرادات و پیشنهادهای تقسیم می‌کنیم.

^۱ P. Williams & C. Florez, "Transnational Criminal Organizations and Drug Trafficking", in: *Bulletin on Narcotics*, (United Nations, New York), vol. XLVI, 1994, no. 2, pp. 9-24.

^۲ <http://www.cec.org.uk/press/pr/pr03/pr0318.htm>

^۳ طبق مقررات ایالات متحده آمریکا قاچاق کالای تقلبی متضمن حداکثر ۱۰ سال حبس و دو میلیون دلار

جزای نقدی یا دو برابر سود و زیان حاصله و تباری برای قاچاق چنین کالایی متضمن حداکثر ۵ سال حبس و

۲۵۰ دلار جزای نقدی یا دو برابر سود و زیان حاصله است.

<http://www.hongkong.usconsulate.gov/uscn/others/2004/111/20.htm>

^۴ <http://www.ice.gov/graphics/newsreleases/articles/060404NewYork.htm>

مبحث اول: ایرادات

اولین قانون در زمینه مبارزه با قاچاق کالا به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ تحت عنوان قانون مجازات مرتکبین قاچاق به تصویب رسیده است. هرچند قبل از این قانون نیز قوانین دیگری تصویب شده بود و در آنها به لفظ قاچاق اشاره شده بود. (برای مثال، می توان به قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲ اشاره نمود) ولی مبارزه با قاچاق در اشکال مختلف آن و بخصوص قاچاق کالا در قانون ۱۳۱۲ تبلور یافت. این قانون از تاریخ تصویب، سه بار در تاریخهای ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ و ۱۳۶۱/۴/۲۷ و ۱۳۷۳/۱۱/۱۹ اصلاح شده است. ماده ۴۵ این قانون قاچاق را به این صورت تعریف کرده است: «مقصود از قاچاق اشیاء ممنوع‌الورود یا ممنوع‌الصدور، وارد کردن اشیاء ممنوع‌الورود است به خاک ایران در هر نقطه از مملکت که اشیاء مزبور کشف شود و خارج کردن اشیاء ممنوع‌الصدور و یا تسلیم آن است به متصدی حمل و نقل و یا هر شخص دیگری برای خارج کردن و یا هر نوع اقدام دیگری برای خارج کردن از مملکت». این قسمت از ماده ۴۵ به تاریخ ۱۳۱۵/۱۲/۲۷ توسط مجلس شورای ملی وقت تفسیر شده و قانون تفسیری مقرر داشته است که «قسمت دوم از ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ شامل مواردی نیز می شود که اشیاء ممنوع‌الورود را اشخاص در داخل کشور برای تجارت یا کسب و با علم به اینکه ممنوعاً وارد شده نقل و انتقال نموده یا واسطه در آن امر شوند.» و مطابق نظریه مشورتی ۱۳۶۷/۱۱/۱۸-۷/۷۵۳۴ اداره حقوقی قوه قضائیه «ملاک قاچاق بودن یا نبودن کالا ورود بر خلاف مقررات گمرکی است»^۵.

علاوه بر این قانون، قوانین متفرقه دیگری نیز در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارزش تصویب شد که از جمله می توان به قانون امور گمرکی و قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور اشاره نمود. به تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نام اقدام به تصویب مصوبه نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارزش نمود. ماده ۱ این

^۵ غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی، نظریات اداره حوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، از سال ۱۳۵۸

تا سال ۱۳۷۱، ج ۱، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۴۴۷.

مصوبه مقرر داشت: «از تاریخ تصویب این قانون در مورد کلیه امور مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ و قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ و اصلاحیه بعدی آن مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ و اصلاح ماده ۱ قانون مزبور مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۲ و این قانون به شرح مواد آتی عمل خواهد شد». به این ترتیب تغییرات عمده‌ای در زمینه سیاست جنایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایجاد شد. با توجه به اینکه این مصوبه در حال حاضر ملاک عمل محاکم و ادارات درگیر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد لذا، مبنای بررسی‌های این مقاله را نیز این مصوبه تشکیل خواهد داد (و هر جا که لفظ مصوبه به کار رفته باشد منظور همین مصوبه می‌باشد) و طبیعتاً در صورت لزوم به سایر مقررات نیز حسب مورد اشاره خواهد شد. بر این اساس ایرادات وارد را به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- سقف تا ده میلیون ریال

قضازدایی به معنای غیرقضائی ساختن و از مرحله رسیدگی قضائی خارج ساختن برخی پرونده‌هاست. این نوع سیاست جهت جلوگیری از تراکم کار در دادگستری صورت می‌گیرد. در واقع قضازدایی شیوه‌ای برای خلوت کردن کار محاکم دادگستری و ایجاد فرصت برای محاکم جهت رسیدگی به امور مهمتر است. به عبارت دیگر، می‌توان قضازدایی را به الغای سیستم کیفری تعبیر کرد که در آن «به جای سیستم کیفری سیستمی قرار می‌گیرد که کمتر جنبه الزام و اجبار داشته باشد و در آنجا حقوق مدنی (با جبران) و حقوق اداری (با کنترلها و ممنوعیتها) برای تضمین حفظ حداقل نظم اجتماعی کفایت خواهد کرد^۶». به این ترتیب مشخص می‌شود که هرچند قضازدایی به نوبه خود می‌تواند سیاست مفیدی باشد ولی صرفاً برای غیرقضائی ساختن امور کم اهمیت مورد استفاده قرار می‌گیرد و استفاده از آن در امور مهمتر با فلسفه آن مغایرت دارد.

^۶ ریموند گسن، *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، چاپخانه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰، ص ۲۱.

قانونگذار ایرانی در سال ۱۳۷۴ با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در قاچاق کالا و ارز این نوع سیاست را به نحوه گسترده‌ای در پیش گرفت. وجه گسترده بودن آن این است که اولاً سعی کرده است تا حد امکان پرونده مسیر قضائی را طی نکند و در همان مرحله اداری با مصالحه‌ای که بین متهم و گمرک صورت می‌گیرد پرونده از مسیر قضائی خارج شود. ثانیاً، سعی کرده است حتی در مرحله عدم سازش بین متهم و گمرک، پرونده، در صورت عدم رسیدگی تا یک ماه از طرف دادگاه انقلاب با درخواست سازمان شاکی به مراجعی که به شعب تعزیرات حکومتی معروف هستند و ادعا بر آن است که کار غیرقضائی انجام می‌دهند (در حالیکه از نظر شیوه عمل همانند یک دادگاه قضائی عمل و همان مجازاتهایی را به متهم تحمیل می‌کنند که یک دادگاه کیفری تحمیل می‌کند) ارسال شود.

قانونگذار در قالب سیاست جنایی مربوط به قضازدایی در ماده ۲ مصوبه مزبور مقرر داشته است: به منظور تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به کشفیات قاچاق اعم از کالا و ارز، اداره‌های مأمور وصول درآمدهای دولت یا سازمانهایی که به موجب قانون مبارزه با قاچاق شاکی محسوب می‌شوند در صورت احراز کالا و یا ارز قاچاق مکلفند حداکثر ظرف ۵ روز نسبت به تکمیل پرونده اقدام و بر اساس جرائم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط^۷ و این قانون به ترتیب زیر عمل نمایند:

الف - در مواردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد، ادارات و سازمانهای ذیربط به ترتیبی که در آئین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت اکتفا می‌کنند.

این قسمت از ماده دو واجد این ایراد اساسی است که اولاً ریسک قاچاق را افزایش داده است. چون افراد بیکار با توجه به ارزش ریالی معینه سعی می‌کنند معادل ارزش مزبور کالا قاچاق کنند تا در صورت گرفتار شدن، کالا و ارز آنان ضبط شود. ثانیاً برای فرار از حضور در محاکم و ضمانت اجراهای کیفری اقدام به استخدام مزدورانی جهت قاچاق

^۷ این عبارت مبین آن است که سایر قوانین نسخ نشده‌اند.

نمایند، به این ترتیب که با تقسیم ارزش کالای قاچاق بین افراد متعدد، عمل را مشمول بند الف ماده دو می‌کنند و حداکثر در صورت گرفتار شدن کالای آنان ضبط می‌شود.^۸

۲- ممنوعیت تعقیب کیفری در صورت پذیرش پرداخت جزای نقدی توسط متهم

ایرادی دیگری که به ماده دو (قسمت ب) وارد است آن است که مطابق بند ب ماده دو در مواردی که بهای کالا و ارز قاچاق از ده میلیون ریال تجاوز کند چنانچه متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر بهای آن به عنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز به ترتیبی که در آئین‌نامه اجرایی این قانون خواهد آمد اقدام، و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرف‌نظر می‌شود.

با توجه به تعیین مجازات برای قاچاق کالا و ارز تردیدی در مجرمانه بودن عمل قاچاق وجود ندارد.^۹ اصولاً هر جرمی واجد جنبه عمومی است. تعقیب کیفری جرائم در صورتیکه جنبه عمومی آنها دارای اهمیت بخصوص باشد، طبق اصل اجباری بودن تعقیب بر عهده دادستان است. به این ترتیب معلوم می‌شود که خود قانونگذار برای جنبه عمومی این جرم اهمیت خاص قائل نشده است تا دادستان مکلف به تعقیب آنها باشد. قانونگذار حتی برای این جرم اهمیت غیرمخصوص نیز قائل نشده تا تعقیب کیفری آنها بر عهده سازمان شاکتی باشد. چون عبارت «چنانچه متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد» مفهوم آن است که در این صورت سازمان مربوطه باید به خواست متهم مبنی بر آمادگی برای پرداخت جریمه تسلیم شود و نمی‌تواند از اخذ جریمه امتناع ورزیده و پرونده را جهت تعقیب کیفری به مرجع قضائی یا شعبه تعزیرات حکومتی ارسال نماید. به این ترتیب، فردی که اقدام به قاچاق کالا یا ارز نموده است با اعلام آمادگی برای پرداخت

^۸ می‌توان گفت که افزایش تورم در سالهای اخیر، بخصوص با توجه به گذشت ده سال از تاریخ تصویب مصوبه باعث شده است که این حيله قاچاقچیان تا اندازه‌ای کارایی خود را از دست بدهد.

^۹ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی.

جریمه به مأخذ دو برابر ارزش کالا یا ارز، از تحمل مجازات حبس رهایی می‌یابد. در واقع قانونگذار سیستمی را در پیش گرفته است که جرم قاچاق کالا یا ارز می‌تواند بدون طی مراحل قضائی و صرفاً در محدوده اداری مورد رسیدگی قرار گیرد. به نظر می‌رسد این سیستم هرچند از برخی جهات می‌تواند مفید باشد از جمله در زمینه کاهش بار دادگستری و از جرگه رسیدگیهای قضائی خارج ساختن جرم قاچاق، ولی با توجه به اینکه باعث کم اهمیت جلوه داده جرم قاچاق شده و ریسک پذیری افراد را در گرایش به قاچاق افزایش داده است، می‌تواند از معایب این سیستم باشد. بخصوص با توجه به اینکه وقتی در مرحله اداری پرونده بسته می‌شود نمی‌تواند به عنوان سابقه محکومیت برای افراد مورد توجه قرار گیرد تا در تعدد و تکرار جرم لحاظ شود.^{۱۰}

در مواردی نیز که متهم مایل به پرداخت جریمه به مأخذ دو برابر نشود و نهایتاً پرونده به دادگاه ارسال شود با توجه به اینکه در ماده دو مورد بحث فقط جریمه تعیین شده و ذکری از حبس به میان نیامده است قضات برداشت سلیقه‌ای از قانون به عمل می‌آورند. بدین توضیح که برخی به استناد ماده ۱ مصوبه که مقرر داشته است: «از این پس به استناد مصوبه عمل خواهد شد»، صرفاً به تعیین جریمه به مأخذ دو برابر اکتفا می‌کنند و برخی به استناد آنکه ماده ۱، مقررات سابق را نسخ نکرده است علاوه بر جزای نقدی مجازات حبس را نیز تعیین می‌کنند که این برداشت مقرون به صواب به نظر می‌رسد ولی بهتر است جهت جلوگیری از اختلاف نظر، قانونگذار مداخله کرده و رفع ابهام کند.

^{۱۰} ماده ۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاحی ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ به این نکته تصریح کرده و مقرر داشته است: «ادارات مأمور وصول درآمد دولت می‌توانند فقط برای یک بار از تعقیب کیفری مباشر قاچاق صرفنظر کرده و به وصول جزای نقدی و ضبط اموال و در صورت از بین رفتن مال به وصول بهای آن اکتفا نمایند. در این صورت اگر پرونده در مراجع قضائی تحت رسیدگی باشد، انصراف از تعقیب تا قبل از صدور حکم بدوی ممکن است و تعقیب کیفری موقوف می‌گردد. پرداخت جزای نقدی آثار جزایی نداشته و مشمول مقررات تکرار یا تعدد جرم نخواهد بود. در مورد انصراف از تعقیب کیفری مباشر جرم، تعقیب کیفری معاون او نیز موقوف خواهد شد.»

۳- سندسازی

با توجه به اینکه مشخصات دقیق کالا شامل نوع، کیفیت، کمیت و شماره سریال در روی اوراقی که به برگ سبز معروف هستند و نشان‌دهنده مجاز بودن کالای وارد شده به کشور هستند قید نمی‌شود و در برخی موارد امکان قید این مشخصات به لحاظ حجم انبوه کالای وارد شده وجود ندارد، قاچاقچیان اقدام به جمع‌آوری اوراق مزبور از افرادی می‌نمایند که کالای مجاز وارد کرده‌اند و برگ سبزهای مزبور را جهت مجاز جلوه دادن کالای یافت شده در تصرف خود ارائه می‌کنند و به این ترتیب راه را برای اعمال قانون سد می‌کنند، به این صورت که با توجه به قید مشخصات کالا در برگ سبز، شخص مورد مراجعه و مظنون به قاچاق ادعا می‌کند که برای مثال این ۵ دستگاه تلویزیون مکشوفه جزء همان ۳۰ دستگاه تلویزیونی است که برای آنها برگ سبز صادر شده است. در چنین صورتی، بخصوص با توجه به اینکه برای مقام قضائی ایجاد تردید می‌شود به استناد اصل برائت چاره‌ای جز صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت ندارد و اگر در مورد انطباق آنها با کالای مکشوفه از گمرک سؤال شود با توجه به عدم انطباق کامل، گمرک صرفاً به تطبیق اجمالی بسنده می‌کند.

۴- تعدد مراجع رسیدگی

یکی دیگر از ایرادات حقوقی وارد بر روند مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعدد مراجع رسیدگی است. مراجع متعدد از قبیل اداره گمرک، دادگاه انقلاب، دادگاه عمومی و شعب تعزیرات حکومتی هر کدام به نوبه خود صالح به رسیدگی به قاچاق کالا و ارز هستند.

الف - اداره گمرک

همانگونه که گفته شد طبق ماده ۲ مصوبه در مرحله اول و در صورتیکه ارزش کالا تا ده میلیون ریال باشد اداره گمرک تنها مرجع صالح به رسیدگی است. در مرحله دوم در صورتیکه متهم راضی به سازش باشد باز هم اداره گمرک صالح به رسیدگی است. در صورت عدم آمادگی متهم به سازش، پرونده باید به مرجع قضائی صالح ارسال شود.

ب - دادگاه انقلاب و دادگاه عمومی

طبق بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، رسیدگی به پرونده‌های قاچاق در صلاحیت دادگاه انقلاب است. از طرف دیگر به موجب تبصره ۲ ماده ۴ مصوبه و ماده ۲ دستورالعمل نحوه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز موضوع تبصره ۱ ماده ۴ مصوبه که به تاریخ ۷۴/۳/۹ از طرف ریاست قوه قضائیه تصویب شده است، در شهرستانها و بخشهایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده است دادگاههای عمومی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهند کرد. این دستورالعمل باعث تشتت آراء شده و برخی قضات دادگاههای عمومی از عمل کردن به این دستورالعمل امتناع ورزیده و با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه انقلاب مرکز استان ارسال می‌کنند تا اینکه با طرح موضوع در هیأت عمومی دیوانعالی کشور، مطابق رأی وحدت رویه شماره ۶۷۶ مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ نظر به صلاحیت دادگاه عمومی در چنین مواردی داده شد. در واقع رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور مؤید دستورالعمل است. باید توجه داشت که رأی وحدت رویه فوق‌الذکر مخالف بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب است که صلاحیت رسیدگی به جرائم قاچاق را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده است و فقدان و یا عدم تشکیل دادگاه انقلاب در محلی باعث تفویض صلاحیت به دادگاه دیگر نمی‌شود.

ج - شعب تعزیرات حکومتی

مشکل صلاحیت به اینجا ختم نمی‌شود، زیرا مطابق ماده ۴ مصوبه، مراجع قضائی اعم از عمومی و انقلاب مکلفند ظرف یک ماه نسبت به صدور حکم اقدام کنند و الا با درخواست سازمان شاکی (مثلاً گمرک یا دخانیات) پرونده به شعب سازمان تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد. به این ترتیب دستگاه قضائی تنها به عنوان قاضی تحقیق شعبه تعزیرات حکومتی عمل می‌کند. چون اگر در محاکم عمومی، رسیدگی ظرف مدت یک ماه منتهی به صدور حکم نشود، به درخواست سازمان شاکی، پرونده الزاماً به شعبه تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد.

تبصره ۲ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی و همچنین تبصره ذیل ماده ۸ آئین‌نامه اجرایی آن قانون مورد دیگری از صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی را در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق بیان داشته است.^{۱۱} طبق تبصره ۲ ماده ۴ «در مناطقی که محاکم قضائی (شامل دادگاههای انقلاب و یا دادگاههای عمومی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود ندارد، تا ایجاد تشکیلات قضائی، سازمان تعزیرات حکومتی بر اساس جرائم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و مفاد این قانون مجاز به رسیدگی به پرونده‌های فوق‌الذکر می‌باشند.» و طبق تبصره ماده ۸ «در مناطقی که محاکم قضائی وجود ندارد اعم از فرودگاهها، بنادر و گلوگاهها، سازمان تعزیرات حکومتی با درخواست سازمانهای شاکی مکلف است با استقرار شعبه یا شعبی به پرونده‌های ارجاعی از سوی سازمان شاکی در مهلت مقرر در قانون طبق قوانین و مقررات رسیدگی نماید».

درست است که قانونگذار مهلت یک ماهه را جهت تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق تعیین کرده است ولی به دلایل زیر با واقعیات انطباقی ندارد: اولاً، با توجه به تشکیل دادسرا در معیت دادگاههای عمومی و انقلاب، تصور اینکه پرونده ظرف یک ماه با صدور کیفرخواست به دادگاه ارجاع و با رعایت مقررات در دادگاه منتهی به صدور حکم شود در اغلب موارد غیرواقعی به نظر می‌رسد.

ثانیاً، کشف کالای قاچاق در نواحی غیرمرزی مستلزم رسیدگی قضائی و بویژه اعطاء نیابت می‌باشد که معمولاً بیش از یک ماه طول می‌کشد و این امر عملاً انگیزه لازم را از مراجع قضائی گرفته است. چون مدت یک ماه معمولاً صرف مقدمات لازم و تحقیقات می‌شود و در پایان این مدت دست سازمان شاکی باز گذاشته شده است که رسیدگی را کدام مرجع انجام دهد: دادگاه انقلاب (و بر اساس رأی وحدت رویه، فعلاً دادگاه عمومی) یا شعبه تعزیرات حکومتی؟ سازمان شاکی نیز با توجه به شناختی که از هر دو مرجع دارد دست به گزینش می‌زند. در واقع در پایان یک ماه سازمان شاکی دادگاه صالح را انتخاب

^{۱۱} علیرضا آقازاده، سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو قاچاق گمرکی، ارومیه، انتشارات پیک سبجان، چاپ اول،

می کند و نه قانونگذار.

به این ترتیب ملاحظه می شود که به یک موضوع (قاچاق کالا و ارز) بر حسب مورد ممکن است اداره گمرک، دادگاه انقلاب، دادگاه عمومی یا شعبه تعزیرات حکومتی رسیدگی کند که مشکل این امر را به طور خلاصه می توان به شکل زیر ترسیم نمود:

۱- در صورتیکه متهم در همان مرحله اولیه مایل به پرداخت جریمه به مأخذ دو برابر ارزش کالای موضوع قاچاق باشد مرجع صالح اداره گمرک خواهد بود و الا؛
۲- در صورتیکه دادگاه انقلاب در محل وجود داشته باشد، مرجع صالح دادگاه انقلاب خواهد بود به شرط آنکه تا یک ماه از تاریخ ارسال پرونده رسیدگی و حکم صادر کند؛

۳- در صورتیکه در محلی دادگاه انقلاب نباشد دادگاه عمومی صالح به رسیدگی خواهد بود؛

۴- در صورت عدم صدور حکم ظرف یک ماه از تاریخ ارسال پرونده به دادگاه انقلاب، به درخواست سازمان شاکی پرونده از دادگاه انقلاب به شعبه تعزیرات حکومتی منتقل خواهد شد.

۵ - تعیین حق الکشف برای مأموران

تعیین حق الکشف برای مأموران برای ایجاد انگیزه بیشتر در آنان جهت کشف کالای قاچاق یکی از سیاستهای خوبی است که از طرف قانونگذار مورد توجه قرار گرفته است. ولی این سیاست تشویقی به نوبه خود تالی فاسدی به دنبال داشته است. بدین توضیح که در برخی موارد مأموران به منظور اخذ حق الکشف حتی مزاحم کالاهای مجاز نیز شده اند تا بتوانند به نحوی از حق الکشف بهره مند شوند. درست است که در نهایت تشخیص مجاز یا قاچاق بودن کالا یا ارز با مرجع صالح است ولی در برخی موارد، صاحب کالا برای جلوگیری از درگیر شدن در مشکلات ناشی از بوروکراسی اداری یا احکام اشتباه آمیز و غلط مرجع رسیدگی کننده، به پرداخت مبلغی به مأموران رضایت می دهد. لذا می توان گفت حق الکشف در برخی موارد به عنوان مزاحمتی برای مردم عمل می کند.

ممکن است در مقابل و برای رفع این ایراد گفته شود که بهتر است حق‌الکشف به جای آنکه از محل کالا پرداخت شود از محل خزانه پرداخت شود، ولی در پاسخ باید گفت مأخذ پرداخت تأثیری در این نحوه عمل مأموران نخواهد داشت. بلکه حذف آن و افزایش حقوق مأموران و افزایش کارانه برای مأمورانی که در کار خود از جدیت بیشتری برخوردارند می‌تواند راه حل مناسبی باشد.

۶- نقص قانون

گفته شد که ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، وجود هرگونه کالایی که بدون پرداخت حقوق گمرکی وارد کشور شده باشد یا کالای ممنوع‌الورود در تصرف هر شخص و در هر نقطه از خاک ایران را قاچاق تلقی می‌کند. به نظر می‌رسد برای جلوگیری از اختلال در زندگی مردم و اینکه موقع خرید کالا باید همیشه مواظب قاچاق نبودن آن باشند، بهتر است قانونگذار بین کالاهای ممنوع‌الورود مثل مشروبات الکلی، اسلحه و مواد مخدر و کالاهایی که بدون پرداخت عوارض گمرکی وارد می‌شوند قائل به تفصیل شود. در مورد کالاهای دسته نخست اصل را بر قاچاق بودن بگذارد ولی در مورد کالاهای دسته دوم فرض را بر آن بگذارد که همینکه کالایی وارد کشور شد، حقوق گمرکی آن پرداخت شده است و قاچاق تلقی نشود. در این صورت دولت کلیه امکانات خود را باید در مبادی ورودی و خروجی متمرکز کند و کلیه راهپایی را که تصور ورود کالای قاچاق از آنجا می‌رود کنترل کند. در حالت فعلی دولت نقص یا ناتوانی خود در کنترل مرزها را به صورت گرفتن کالا از دست مردم در داخل کشور جبران می‌کند. چون بر فرض که در مورد اتهام حمل یا خرید کالای قاچاق با توجه به عدم احراز علم متهم به قاچاق بودن کالا قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر شود (بر حسب مقررات^{۱۲} کسی که کالای

^{۱۲} طبق ماده ۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاحی ۱۳۱۹/۳/۱۴: «هرگاه مال موضوع درآمد دولت و یا ممنوع‌الصدور و یا ممنوع‌الورود به توسط مکاری یا اتومبیل و یا سایر وسایط نقلیه و یا به وسایل دیگری حمل شود و حامل نتواند ارسال کننده و یا صاحب اصلی آن را تعیین و اثبات نماید، علاوه بر ضبط مال و در صورت

ممنوع‌الورود در نزد او کشف گردیده باید اسناد گمرکی آن را ارائه و یا فروشنده را معرفی نماید.^{۱۳} باید قاعدتاً کالای مزبور به عنوان کالای قاچاق (به عنوان مال حاصله از جرم و به استناد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی) به نفع دولت ضبط شود. در حالیکه مردم نباید تاوان ناتوانی یا نقص دولت را پردازند و اصل حلیت بازار مسلمین نیز مؤید این نظر می‌باشد.

۷- ابهام قانون

در برخی موارد این ابهام قانون است که در عمل مشکلاتی را در امر مبارزه با جرم ایجاد می‌کند. این ابهام، در اکثر اوقات یا ناشی از شتابزدگی در تصویب قانون است که بدون توجه به جنبه‌های مختلف قضیه و بخصوص سوابق موجود در مورد موضوع مورد نظر قانونگذاری صورت می‌گیرد و در برخی موارد هم ناشی از جهل قانونگذار به اصول فنی قانون‌نویسی است. در مورد مبارزه با قاچاق، ابهامات قانون را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۱- یکی از ابهامات در مورد میزان جزای نقدی است که دادگاه می‌تواند برای قاچاقچی کالا تعیین کند. توضیح آنکه طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق دادگاه می‌تواند تا ۵ برابر ارزش کالا جزای نقدی تعیین کند در حالیکه طبق مصوبه میزان جزای نقدی نباید از دو برابر ارزش کالا کمتر باشد. به این ترتیب میزان حداکثر جزای نقدی قابل تعیین مشخص نشده است. این عدم تعیین صرفنظر از آنکه خلاف اصل قانونی بودن مجازات (اصل ۳۶ قانون اساسی) است، موجب ابهام در میزان مجازات نیز هست.

۲- ابهام دوم به مجازات حبس بر می‌گردد. بدین توضیح که طبق ماده ۲ مصوبه گفته شده است که متهم علاوه بر حبس به... محکوم می‌شود و میزان حبس را مشخص نکرده

☞

نبودن مال، رد بهای آن باید شخصاً از عهده پرداخت جریمه مقرر در این قانون برآید».

^{۱۳} مجموعه رویه قضائی، آرشیو حقوقی کیهان، آراء هیأت عمومی دیوانعالی کشور، از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲،

است. اداره حقوقی قوه قضائیه به عنوان یک نظریه مشورتی گفته است که در این موارد باید به قوانین احصاء شده در ماده ۱ مصوبه مراجعه کرد. ولی مشکل آن است که اولاً طبق ماده ۱ مصوبه، از این به بعد طبق مصوبه عمل خواهد شد و ثانیاً در قوانین احصاء شده در ماده ۱ (با فرض جواز عمل طبق قوانین احصاء شده در ماده مزبور) در کلیه موارد برای قاچاق مجازات حبس تعیین نشده است.

۳- ابهام سوم به مشروبات الکلی بر می‌گردد. بدین توضیح که در مورد مشروبات الکلی صرفنظر از اینکه کالا تلقی نمی‌شوند (هرچند تفسیر مورخ ۸۱/۸/۱۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام در این مورد که باید ارزش عرفی شیء موضوع قاچاق مبنای تعیین جرمه گردد^{۱۴} مشکل را حل کرده است)، مشکل آن است که علاوه بر مقررات مربوط به قاچاق در قانون مجازات اسلامی نیز مقرراتی در مورد وارد کردن و تهیه مشروبات الکلی وجود دارد که در برخی موارد با مقررات مربوط به قاچاق تعارض یا تداخل پیدا می‌کند. بدین توضیح که در ماده ۷۰۲ برای خرید و حمل و نگهداری مشروبات الکلی مجازات ۳ تا ۶ ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق و در ماده ۷۰۳ برای ساختن، فروش، در معرض فروش قرار دادن، وارد کردن یا در اختیار دیگری قرار دادن مشروبات الکلی مجازات ۳ ماه تا ۱ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از ۱۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۶۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی یا یک تا دو مورد از اینها مجازات تعیین شده است. در حالیکه در ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاحی ۷۳/۱۱/۹ برای قاچاق اموال ممنوع‌الورود مجازات تا ۵ برابر ارزش مال موضوع قاچاق، جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق و تا دو سال حبس تعیین شده است. بنابراین نفع متهم در استناد به قانون مجازات اسلامی است که مجازات خفیفتری دارد. از طرف دیگر تفسیر مورخ ۸۱/۸/۱۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام که فوقاً به آن اشاره شد مؤید آن است که قاچاق مشروبات الکلی تابع مصوبه است. در این صورت چنانچه ارزش عرفی مشروب کمتر از ده میلیون ریال باشد در این صورت نفع متهم در استناد به مصوبه است

^{۱۴} جعفر نوری یوشانلوئی، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز، تهران، انتشارات میزان،

(چون فقط به ضبط مشروب اکتفا می‌شود) و این امر خود می‌تواند باعث تشویق قاچاق مشروبات الکلی به کشور شود.

۴- در این مورد بحث صلاحیت دادگاه عمومی و انقلاب نیز مطرح می‌شود. بدین توضیح که دادگاه انقلاب به استدلال آنکه مشروب کالا نیست پس قاچاق تلقی نمی‌شود در برخی موارد قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی صادر می‌کند و در برخی موارد هم دادگاه عمومی به استدلال آنکه مشروبات الکلی نیز موضوع قاچاق هستند به شایستگی دادگاه انقلاب قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند. این امر هنوز به صدور رأی وحدت رویه منجر نشده است. متهمان و وکلا اغلب از صلاحیت محاکم عمومی استقبال می‌کنند، چون بر حسب اینکه پرونده در دادگاه انقلاب یا عمومی رسیدگی شود نتیجه متفاوتی خواهد داشت. اگر در دادگاه انقلاب مطرح شود علاوه بر ضبط کالا ممکن است تا ۵ برابر آن جزای نقدی (نسبی) تعیین شود در حالیکه در دادگاه عمومی علاوه بر آنکه میزان حبس کمتر از دادگاه انقلاب است میزان جزای نقدی نیز در مواد ۷۰۲ یا ۷۰۳ به‌طور ثابت معین شده است.

مبحث دوم: پیشنهادها و راه‌حلیها

برای رفع پاره‌ای ایرادات مربوط به مبارزه با قاچاق کالا از بعد حقوقی می‌توان پیشنهادها زیر را ارائه کرد:

۱- الزامی شدن درج مشخصات در برگ سبز

فرض قانونگذار آن است که هر کالایی که مجوز ورود به کشور را داشته باشد باید مجوز آن در دست متصرف کالا باشد و در صورت لزوم آن را به مقامات ذیصلاح ارائه نماید. در واقع قانونگذار در مورد کالای قاچاق عنصر مادی جرم را مفروض می‌دارد^{۱۵} و هر آنکه مدعی جرم نبودن عمل خود باشد باید ادعای خود را با ارائه مجوز ورود که به «برگ سبز»

^{۱۵} محمد آشوری، آئین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰.

معروف است اثبات نماید. نتیجه این نحوه انشاء حکم آن شده است که قاچاقچیان برای اثبات قاچاق نبودن کالا برگ سبزیهای موجود در دست برخی از افرادی را که کالایی را به صورت مجاز وارد کشور کرده‌اند جمع‌آوری نمایند تا در صورت لزوم به مقامات مسئول ارائه نمایند.

برای جلوگیری از سوء استفاده چنین قاچاقچسانی از برگ سبزیهای موجود در دست اشخاصی که کالایی را به صورت مجاز وارد کشور کرده‌اند لازم است اولاً تا حد امکان مشخصات دقیق کالا در روی برگ سبز قید شود تا امکان انطباق برگ سبز با کالایی دیگر، واجد مشخصاتی دیگر وجود نداشته باشد. ثانیاً مقرر شود که برگ سبز همیشه همراه کالا باشد و الا قابلیت استناد نخواهد داشت.

۲- پذیرش فرض مجاز بودن کالا

اصل احترام به رفتار افراد در اجتماع و اصل برائت و اصل صحت ایجاب می‌نماید که قانونگذار اصل را بر اباحه قرار دهد. در مورد کالاهای وارداتی نیز می‌توان این فرض را جاری نمود. به این صورت که قانونگذار مقرر نماید در صورتیکه کالایی به هر نحو وارد کشور شد در داخل کشور مجاز تلقی شود. یعنی فرض بر آن باشد که کالایی که وارد کشور شده است تشریفات قانونی خود را طی کرده است. نتیجه این امر تکلیف دولت به کنترل دقیق مبادی ورودی و خروجی خواهد بود. به عبارت دیگر، دولت باید تمامی تلاش خود را در مبادی ورودی به کار گیرد تا کالایی به صورت غیرمجاز وارد کشور نشود و اگر کالایی به هر طریق و از هر مبدایی وارد کشور شد باید آن را مجاز تلقی کند. لازمه چنین کنترل‌هایی در مرز، کنترل و نظارت بر عملکرد مأموران وصول عوائد دولت و به‌طور کلی ضابطین دادگستری نیز می‌باشد.

خود قانونگذار حساسیت لازم را نسبت به عملکرد چنین مأمورانی در ماده ۱۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق نشان داده و مقرر داشته است: «کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مأمور کشف قاچاق یا تعقیب یا مجازات مرتکبین آن بوده و خود مرتکب قاچاق شده یا شرکت یا معاونت در ارتکاب آن نمایند و همچنین مأمورین ذیربطی که با

علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبی خودداری نموده و یا بر خلاف شرایط مقرر در ماده ششم ارفاق نمایند (با رعایت بند ۴ قانون متمم قانون دیوان جزای عمال دولت مصوب ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۸) در حکم مختلس و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم خواهند شد مگر آنکه عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات اشد محکوم می‌گردند».

۳- جرم‌زدایی از برخی اعمال

یکی از مشکلاتی که در نظام کیفری ما وجود دارد مشکل جرم‌انگاری وسیع اعمال می‌باشد. قانونگذار چنین تصور می‌نماید که حتماً باید از ضمانت‌اجراهای کیفری برای مقابله با اعمال استفاده نماید. چنین دیدگاه کیفرمدارانه‌ای باعث شده است قانونگذار پاسخها را عمدتاً در جرم‌انگاری ببیند و از ابزار کیفر برای مقابله با اعمال استفاده نماید. در حالیکه اگر به فلسفه جرم‌انگاری قاچاق توجه شود نباید قانونگذار در همه موارد دخالت کند و نباید در مواردی هم که دخالت می‌نماید برخوردش از نوع کیفری باشد.

امروزه، جرم‌زدایی به عنوان یکی از شیوه‌های سیاست جنایی در برخورد با پدیده مجرمانه اهمیت زیادی یافته است. این شیوه قانونگذار را با به اتخاذ سیاستی غیر کیفری در مقابل اعمال فرامی‌خواند و در این قالب قانونگذار به جای آنکه با ضمانت‌اجرای کیفری به مقابله پردازد عمل را از حیطه شمول قانون جزایی خارج می‌سازد. در زمینه قاچاق کالا و ارز، قانونگذار می‌تواند در قالب جرم‌زدایی واردات برخی کالاها را آزاد اعلام نماید. برای مثال، با آزاد شدن واردات موز نه تنها مشکل قاچاق آن حل شد قیمت آن نیز تا حد زیادی تعدیل یافت. حق مشتری به آزادی در انتخاب کالای مصرفی و تکلیف تولیدکننده به افزایش کیفیت محصول خود در عمل تعیین‌کننده خواهد بود. بدین توضیح که اگر کالای تولید داخل از کیفیت لازم برخوردار باشد مشتری خود بخود به انتخاب کالای تولید داخل به عنوان کالای مصرفی روی خواهد آورد.

۴ - کاهش تعرفه‌های گمرکی

کاهش تعرفه‌های گمرکی برای مبارزه با قاچاق از راه‌حلهایی است که آنریکوفری در بحث «هم ارزهای کیفر» به آن پرداخته است. وی به دولت توصیه می‌کند برای جلوگیری از قاچاق کالا لازم نیست که حتماً از اهرم کیفر یا سرکوب استفاده نماید. کاهش عوائد دولت، واردکننده را به پذیرش قانون به جای پذیرش ریسک سوق خواهد داد. «قاچاق، قرن‌ها در برابر کیفرهای شدید و هولناک مانند قطع ید و اعدام مقاومت ورزید و در عصر ما نیز زندان و تیرباران نمودن مأموران متخلف گمرک نتوانست از قاچاق جلوگیری نماید... با تقلیل نرخ گمرک در فرانسه، قاچاق در آن کشور تقلیل یافت... آدم اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) حق داشت که در کتاب «ثروت ملل» اعلام نماید: قانونی که افراد را به قاچاق تحریص می‌کند و سپس به علت ارتکاب قاچاق آنان را به کیفر می‌رساند و عامل تحریص را قوی‌تر می‌سازد و کیفر را تشدید می‌نماید، قانونی است بر خلاف کلیه اصول عدالت^{۱۶}». لذا اگر تعرفه‌های گمرکی کاهش پیدا کند و واردکننده کالا احساس نماید که با وجود پرداخت هزینه‌های گمرکی همچنان سود متعارفی را تحصیل خواهد کرد حاضر خواهد شد به جای پذیرش ریسک قاچاق با پرداخت تعرفی گمرکی اقدام به وارد کردن کالا نماید.

۵ - تقویت بازارچه‌های مرزی

تقویت بازارچه‌های مرزی نیز یکی از راه‌های کنترل کالا و جلوگیری از قاچاق کالا است. بدین توضیح که با گسترش بازارچه‌های مرزی امکان معاملات قانونی بین تجار ایرانی و کشورهای دیگر فراهم می‌شود و با این کیفیت هم دولت می‌تواند عوارض گمرکی را راحت‌تر اخذ کند و هم زمینه قاچاق از بین می‌رود.

^{۱۶} ریموند گسن، پیشین، ص ۷۲.

۶- ایجاد مرجع رسیدگی واحد

تعدد مراجع رسیدگی باعث تششت برخورد با پدیده مجرمانه می‌شود. بخصوص در وضعیت فعلی که معلوم نیست حق تقدم رسیدگی با کدام مرجع می‌باشد. لذا، می‌توان گفت ایجاد مرجع رسیدگی واحد یکی دیگر از راههای هماهنگ ساختن مبارزه با قاچاق کالا است. همانگونه که گفته شد در حال حاضر چهار مرجع رسیدگی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا وجود دارد. ایجاد مرجع واحد می‌تواند از تششت برخوردها جلوگیری کند. تشکیل ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۸۳ می‌تواند نقش مهمی را در سیاستگذاری واحد در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز داشته باشد.

این ستاد به استناد ماده ۳۰ آئین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۹/۳/۲۹ هیأت وزیران در سال ۱۳۸۳ تشکیل شده است. به موجب ماده ۳۰ آئین‌نامه «به منظور برنامه‌ریزی، هدایت، سیاستگذاری، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ستادی تحت عنوان ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق متشکل از وزیر کشور (رئیس ستاد)، وزیر اطلاعات، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر بازرگانی، وزیر راه و ترابری، رئیس کل گمرک، مدیرعامل شرکت دخانیات ایران، رئیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، رئیس سازمان تعزیرات حکومتی یا نمایندگان تام‌الاختیار هر یک از آنها و نماینده تام‌الاختیار قوه قضائیه تشکیل می‌گردد». این ستاد به تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۸ با حکم رئیس جمهور وقت فعالیت خود را به‌طور رسمی آغاز کرد. این ستاد از پنج معاونت و شش کمیته تشکیل شده است که عبارتند از معاونت مالی و اداری، معاونت طرح و برنامه و بودجه، معاونت فرهنگی و تبلیغات، معاونت فناوری اطلاعات و تجهیزات و معاونت هماهنگی و بازرسی امور استانها. کمیته اطلاعات و عملیات، کمیته ساماندهی اقتصادی، کمیته مبادی ورود و خروج کالا، کمیته قضائی و صیانت کارکنان، کمیته بهینه‌سازی قوانین و نظامهای اداری و کمیته فرهنگی و تبلیغات ستاد.

از زمان تشکیل ستاد، کمیته‌های شش‌گانه مزبور جلسات زیادی را با سازمانهای مختلف تشکیل داده‌اند. هدف اصلی از این جلسات، تبادل اطلاعات و آراء و نظرات و

هماهنگی بیشتر جهت تسریع در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز و به حداکثر رساندن بازدهی عملی آن می‌باشد. فعالترین کمیته‌ها، کمیته سازماندهی اقتصادی و کمیته بهینه‌سازی قوانین و نظامهای اداری هستند. کمیته اخیرالذکر، در سال ۱۳۸۳ حدود نوزده جلسه تشکیل داده و محور مباحث مطرح شده در این کمیته بهینه‌سازی قوانین و مقررات مرتبط با امر قاچاق می‌باشد. در این زمینه جلساتی را با نهادهای مختلف و از جمله وزارت جهاد کشاورزی در راستای طرح جامع مبارزه با قاچاق چای تشکیل داده است.

به نظر می‌رسد علاوه بر ایجاد مرجع واحد برای سیاستگذاری، باید مرجع واحدی نیز برای اجرای سیاستهای مزبور وجود داشته باشد. چون عدم هماهنگی در اجرا نیز می‌تواند از کارایی این ستاد در انجام وظایف محوله بکاهد.^{۱۷}

۷- نفی سازش

هرچند ایجاد امکان سازش بین متهم و اداره گمرک برای جلوگیری از طرح پرونده در دادگاه کیفری یکی از توصیه‌های سیاست جنایی امروزی است. ولی با توجه به توالی فاسدی که از این امر ناشی می‌شود و در مبحث اول به تفصیل به آنها اشاره شد به نظر می‌رسد نفی سازش بین متهم و اداره گمرک می‌تواند مانع از تشویق قاچاقچیان در قاچاق کالا باشد.

۸- غیر قابل گذشت تلقی کردن جرم قاچاق

در آئین دادرسی کیفری اصل بر اجباری بودن تعقیب کیفری بوسیله دادستان^{۱۸} است و قانونگذار تنها در موارد استثنائی قاعده اقتضاء تعقیب را مورد توجه قرار می‌دهد. در مورد قاچاق کالا قانونگذار اصل را بر اقتضاء تعقیب قرار داده است و مهمتر آنکه تشخیص اقتضاء نه بر عهده دادستان بلکه بر عهده متهم و یا اداره گمرک می‌باشد. این امر در واقع

^{۱۷} از نتایج حاصل از تشکیل ستاد و فعالیت آن در عمل تا به حال گزارش جامعی منتشر نشده است.

^{۱۸} محمد آشوری، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴.

نفی جنبه عمومی جرم یا کم اهمیت جلوه دادن آن است. به عبارت دیگر نمی توان هیچیک از تقسیمات سه گانه ای را که ماده ۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مورد تقسیم جرائم مورد توجه قرار داده است در مورد قاچاق کالا و ارز اعمال نمود. چون جرم قاچاق از نوع اول نیست. به عبارت دیگر از جرائم غیر قابل گذشت که دادستان مکلف به تعقیب باشد نیست. و از نوع دوم هم نیست. چون چنین نیست که سازمان شاکی اختیار اعلام شکایت داشته باشد ولی اختیار گذشت نداشته باشد. و از نوع سوم هم نیست. چون چنین نیست که اختیار تعقیب دست سازمان مربوطه (شاکی خصوصی) باشد بلکه این متهم است که با اعلام اراده خود تکلیف قضیه را روشن می نماید. باید برای آن فرض چهارمی را قائل شد. و آن اینکه، جرم قاچاق از جرائمی است که سازمان شاکی (شاکی خصوصی) مکلف به تعقیب آن در مرجع اداری است و با اعلام اراده متهم مبنی بر آمادگی برای پرداخت جزای نقدی به شیوه مقرر در قانون، شاکی خصوصی مکلف به مخومه کردن پرونده است. البته باید توجه داشت که در صورتیکه پرونده با عدم رضایت متهم به پرداخت جزای نقدی در مرجع قضائی مطرح و منجر به صدور حکم شود تمامی آثار جزایی (البته مطابق رأی وحدیه رویه شماره ۵۸۷-۱۴/۱۰/۱۳۷۲ هیأت عمومی دیوانعالی کشور مجازاتهای نقدی موضوع ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق قابل تخفیف نیست)^{۱۹} بر حکم مزبور مترتب خواهد بود.

و این یکی از ضعفهای اصلی تعقیب در حوزه قاچاق کالا به شمار می رود. لذا به نظر می رسد نفی آن می تواند به مؤثر بودن اقدامات مربوط به مبارزه با قاچاق کالا کمک کند.

۹- رفع ابهام از قانون

یکی از خصوصیات قانون خوب، روشن و بدون ابهام بودن آن است. قانون مبهم همیشه

^{۱۹} غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، از سال

۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۳، ج ۱، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۴۱۲.

قاضی را با سؤال مواجه می‌کند و اصحاب دعوا را با اضطراب و تشویش خاطر. وجه در معرض سؤال قرار گرفتن آن است که به حکم عقل و منطق انسان برای رفع ابهام سؤال می‌کند و وجه تشویش خاطر اصحاب دعوا هم نگرانی آنان از نوع تصمیمی است که مقام قضائی و یا هر مقام صالح به رسیدگی در مورد آنان خواهد گرفت.

مواردی از ابهام مقررات مربوط به قاچاق در مبحث اول مورد بحث قرار گرفت. از جمله این موارد به مبهم بودن وضعیت حبس، جزای نقدی و قاچاق مشروبات الکلی اشاره شد. با توجه به اینکه ابهام قوانین یکی از معضلاتی است که در برخی اوقات می‌تواند مانع اعمال صحیح قانون شود و نتیجه آن نیز می‌تواند انتفاع برخی یا تضرر برخی دیگر باشد لازم است قانونگذار از موارد مبهم رفع ابهام نماید.

نتیجه

موفقیت مبارزه با قاچاق کالا به عوامل چندی بستگی دارد. از جمله این عوامل می‌توان به وجود امکان اشتغال به کار برای افراد جویای کار جامعه، افزایش کیفیت تولیدات داخلی، متعارف کردن میزان عوارض معینه برای کالاهای خارجی، رفع ابهام از قوانین، ایجاد تشکیلات منسجم و قوی برای مبارزه با قاچاق و کنترل کامل مبادی ورودی و خروجی و... اشاره کرد. به نظر می‌رسد جامعه ایران از جهات مختلف در مورد عوامل مذکور آسیب‌پذیر است.

تصویب قوانین مختلف و بدون توجه به توالی فاسدی که از تصویب آنها ممکن است در جامعه ایجاد شود و تعجیل در تغییر یا اصلاح قوانین نیز از دیگر عوامل مؤثر در زمینه عدم کارایی مقررات مربوطه است. علیرغم آنکه قانون مجازات مرتکبین قاچاق در تاریخ ۷۳/۱۱/۹ اصلاح شده بود با اینحال تقریباً سه ماه بعد مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه نحوه اعمال تعزیرات حکومتی را تصویب کرد و مهلتی برای اجرای قانون اصلاح قانون مجازات مرتکبین قاچاق نداد تا نتایج عملی قانون مزبور در عمل مشخص گردد.

واردات کالا از کشورهای مختلف همیشه واجد توالی فاسد نیست. به عبارت دیگر قانونگذار نباید چنین تصور کند که واردات کالا از کشورهای دیگر لزوماً به اقتصاد ملی

لطمه وارد می‌کند تا به این اعتبار واردات را ممنوع یا تابع عوارض ورود سنگین کند. در برخی اوقات، واردات کالا می‌تواند تولیدکنندگان داخلی را به رقابت با تولیدکنندگان خارجی وادار کند و نتیجه این رقابت، افزایش کیفیت تولیدات داخلی خواهد بود و طبیعتاً افزایش کیفیت تولیدات داخلی، مصرف‌کنندگان را به سوی مصرف تولیدات داخلی سوق خواهد داد. به شرط آنکه از نظر قیمت نیز مصرف‌محصول داخلی مقرون به صرفه باشد.



JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. V, NO. 2

2006-2

Articles

- UN Security Council Practice in Iran's Nuclear Case
- Defining Genocide in the Light of ICTY and ICTR Decisions
- Endowment of Company's Shares
- Freedom of Expression and Violation of Respect for Religions and Prophets in the Europe from Human Rights Perspective
- Smuggling of Goods and Currency in the Iranian Penal Law
- Jurisdiction and Sentences in Iraqi High Criminal Court

Special Issue: Tax Law in Iran and Other Countries

- Value Added Tax (VAT) and Tax Fairness
- Avoidance of Double Taxation in Iranian Law
- Tax Procedure in Iran
- Tax Regulations in Energy Charter Treaty and Legal Effects of Iran's Accession
- Offences in the Matter of Taxation in French Law

Critique and Presentation

- Supreme Court Judgment on Wife Requisition for a Divorce Because of Husband Remarriage
- The UN Security Council Resolution 1701 (2006) from International Law Perspective



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study